



۲۰۲۴/۰۲/۲۴



فارو



## په اروپاکی دمیشته افغانانو د ټولنو فدراسیون فدراسیون سازمانهای افغانهای مقیم اروپا

### ضرورت تحقیق علمی و تاریخی در مورد قیامهای ۳ و ۲۴ حوت

بمناسبت ۴۵ مین سالروز قیام سوم حوت

۲۲ فبروری ۲۰۲۴

قیامی که در دوم و سوم حوت ۱۳۵۸ از طرف مردم کابل براه انداخته شد، از لحاظ سیاسی مسیری را ترسیم نمود که مردم سراسر کشور الی خروج نیروهای جنگی شوروی سابق آنرا تعقیب نمودند. بعبارة دیگر تأثیرات این قیام گذرا نبود و محدود به شهر کابل نماند. قیام خودجوش و فاقد رهبری واحد سوم حوت ۱۳۵۸ مردم کابل در واقع ادامه قیام خودجوش و مردمی ۲۴ حوت ۱۳۵۷ مردم شریف هرات علیه اداره تحت الحمايه روسها در افغانستان، در شرایط بعد از اشغال کشور ما توسط روسها بود. از سوم حوت سال ۱۳۵۸ به بعد، مبارزین ضد اشغال در شهر کابل، همه ساله از سالروز قیام مردمی و خودجوش سوم حوت، با بخطر انداختن جانهای شان تجلیل مینمودند. طی ۱۴ سال حاکمیت خلق و پرچم قیامهای متعددی علیه رژیم دست نشانده و روسها صورت گرفت. اما درین میان دو قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ در هرات و قیام سوم حوت ۱۳۵۸ در کابل توانستند کاخ کرملین را به لرزه در آورده و تأثیرات پایدار و سرتاسری بر روند جنگ علیه متجاوزین روس و رژیم وابسته به آنها بجا گذارند. جنرال گروموف در کتاب ارتش سرخ در افغانستان از صفحه ۶ به بعد صفحات متعدد را به بحثهای که به اثر قیام ۲۴ حوت هرات در بیروی سیاسی حزب کمونیست شوروی جریان داشت و رهبران شوروی را متوجه درجه بالای ضربه پذیری حکومت تحت الحمايه شان در افغانستان ساخته بود، پرده برمیدارد.

گروموف بر مبنای اسناد محرم بیروی سیاسی حزب کمونیست شوروی می نویسد که با وصف التماس تره کی و امین روسها در اوج قیام هرات توانستند در برابر خواست تره کی برای فرستادن قطعات تانک و هیلیکوپتر جنگی با پرسونل روس مقاومت کنند. اما روسها بنا به تاجر فکری حاکم در رهبری حزب کمونیست و با اعتقاد به شکست ناپذیری ارتش سرخ، قادر به نتیجه گیری درست از وضع موجود نشدند و برعکس با شاربیدگی روز افزون در داخل حکومت تحت الحمايه که قیام نظامیان قهرمان بالاحصار در ۱۴ اسد ۱۳۵۸ آنرا به وضاحت به نمایش گذاشت، تصمیم به اشغال افغانستان گرفتند. با وصف همکاری امین با اشغالگران و مخفی کاری مطلق حکومتش در مورد داخل شدن هزاران وسایط نظامی و ده ها هزار عسکر روسها از طریق فضا، طی روزهای ۴ و ۵ جدی مردم افغانستان بخاطر ازدیاد بیسابقه پروازها بر فضای مناطق زیست شان، در حالت دلهره و ابهام بسر میردند. عمق فاجعه را مردم کابل صبح ۷ جدی، زمانی که از خانه های خود برآمدند و تانکهای روس را در چهار راهی های شهر خویش دیدند، درک کردند و شوک دیدند ولی به مصداق این گفته که «آش مردها دیر پخته میشود»، طی چند هفته پاسخ خویش را به اشغالگران آماده ساختند.

این پاسخ با قیام سوم حوت تبارز یافت. مردم کابل قیامها علیه مکناتن و شاه شجاع را بصورت خفیه و با استفاده از مجاری ارتباطی طبیعی و مستقیم خویش تدارک دیده بودند. از عین شیوه برای تدارک قیام سوم حوت علیه روسها و ببرک کارمل نیز استفاده نمودند. قیام سوم حوت همانند قیامهای ضد انگلیس و شاه شجاع خودجوش و فاقد رهبری سیاسی بود. اعضای برخی سازمانها و تنظیمها بحیث ساکنین کابل در قیام سهیم شدند. اما سازماندهی و تصامیم به عهده بزرگان محلات و حرفه ها بود. وسعت قیام به حدی بود که هم حکومت و هم روسها خود را با خطر جدی مواجه میدیدند. گروموف در صفحه ۸۶ کتاب مذکور می نویسد: ((رویداد های ۲۰ الی ۲۳ فبروری در کابل نه تنها برای ما غیر منتظره بودند، بلکه ما را بر آن داشتند تا نتیجه گیری معینی هم نکنیم. پیش از همه این رخدادها نشان دادند که نفرات محدود نظامی در حلقه دوستانه بسر نبرده، بلکه در احاطه

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

مخالفتان خویش قرار دارند)). پرچمدارن تحت الحمایه که تادوماه قبل صرف ازرقیب درون حزبی خود یعنی امین میترسیدند، اکنون دانستند که در عقب هر دیواردر شهری که آنرا " گهواره انقلاب" تلقی مینمودند، انسانهایی زندگی میکنند که معیار وطنپرستی شان مخالفت با متجاوزین شوروی بود. سرکوب نظامی تظاهرات مردمی سوم حوت که تعداد زیاد کشته و زخمی بجا گذاشت، و پُر ساختن مجدد سلولهای زندان پُل چرخ از تظاهر کنندگان در روز های بعد از سرکوب، ناشی از ترس و دستپاچگی روسها و حکومت تحت الحمایه شان بود. بهر صورت این قیام چند درس عملی ذیل را به مخاطبین خویش آموخت:

الف: این قیام به روسها وضاحت داد که در افغانستان وحتى در شهر کابل جای مصنوعی برای متجاوزین روس وجود ندارد و یگانه کسانی که از آمدن روسها پشتیبانی میکنند، پرچمی ها و طرفداران تره کی میباشند که حتی در شهر کابل هم پشتوانه مردمی ندارند،

ب: این قیام به دولت پوشالی آموزش داد که مردم افغانستان برای حزب سیاسی ورهبرانی که بخاطر منافع بیگانه کشور خود را پامال تانک های روس ها و مردم خود را طعمه بمبهای بیرلی طیارات جنگی یک ابرقدرت متجاوز و میدان جنگ سرد ابرقدرتها میسازند، پاداشی جز ترد و نفرین ندارند.

ج: مهمترین رهنمود عملی قیام سوم حوت به مردم افغانستان بود. محتوی این رهنمود جوانب مختلف دارد. بصورت مختصر میتوان گفت که این قیام به مردم افغانستان رهنمود داد که برای مبارزه با اشغالگران با هم متحد شوند، به احزاب ساخت پاکستان و ایران اعتماد نکنند و با اتکا به نیروی خود، قیامهای خودجوش را براه اندازند. اگر مورد حمله قرار گرفتند با دست خالی بر دشمن متجاوز حمله ور شوند و اسلحه را از خود دشمن بگیرند. این درسها را قیام کنندگان سوم حوت با نوع عملکرد خویش و با شعار دادن ها در شام دوم حوت از فراز بامهای خانه های خویش و در جریان تظاهرات روز سوم حوت، انتقال دادند. برای بررسی دقیق جوانب مختلف قیامهای حماسه آفرین ۲۴ حوت هرات و سوم حوت کابل و اینکه چگونه این قیامها در شرایط اختنای رژیم تحت الحمایه جوانه زدند، ریشه گرفتند، رشد کردند و حماسه آفریدند بدون اینکه از جانب کدام نیروی بیگانه تمویل و تجهیز شوند، به تحقیقات تاریخی- سیاسی، روانی و جامعه شناسانه دامنه دار ضرورت است. هنوز شهود عینی و عده ای از اشتراک کنندگان این قیامها زنده اند و این امر کار تحقیق را تسهیل میبخشد. بهترین تجلیل از این قیام های مردمی و خود جوش، همانا کاوش و تحقیق تاریخی و جامعه شناسانه در مورد جوانب مختلف این قیامها و آموختن از آنها میباشد.

یک مطلب دیگر که بیشتر به لشکرکشی امریکائی ها در سال ۲۰۰۱ به افغانستان ارتباط میگیرد، اما میتواند موضوع خوبی برای تحقیق توسط پژوهشگران امور جنگ و صلح باشد، عبارتست از علل حوصله مندی زیادی که مردم افغانستان در برابر تجاوز نظامی ایالات متحده از خود نشان دادند، میباشد. برعکس ادعای طالبان بخش کمی از مردم حاضر به پذیرش شعار های ضد امریکائی آنها شدند. البته میتوان از علل احتمالی در این رابطه نام برد اما در این مورد، تا جایی که ما اطلاع داریم، تحقی علمی و همه جانبه نشده است. دلایل احتمالی که میتوان بگونه مثال از آنها نام برد، عبارتند از اینکه: مردم قبل از ۲۰۰۱ در موقف گروگان های یک گروه مسلح عقبگرا قرار داشتند که از طریق استبداد عار مذهبی عقاید گروهی خود را بر آنها تحمیل میکرد و از بین رفتن این حاکمیت توسط امریکائی ها، تأیید حق امریکا برای این حمله که ظاهراً دفاعی تلقی میشد توسط ملل متحد، خلق رسانه هائی که مردم را امیوار نگه میداشتند، و شعار های آزادی و ترقی آنها را واداشت تا مدتی در برابر نظامیان امریکائی از حوصله کار بگیرند. عده ای هم به این نظر اند که کمک امریکا به مهاجرین افغان در دوران جهاد ضد روسی و وعده های امریکائی های مبنی بر «بازسازی»، «ایجاد حکومت مردمی بعد از یک دوره انتقالی تحت رهبری ملل متحد»، «محاکمه جنایاتکاران جنگی» و غیره، با وصف آنکه در عمل پیاده نشدند، مردم بی اعتماد به گروه های سیاسی داخلی را واداشتند تا مؤقتاً حضور نیروهای خارجی را تحمل نموده اما با مرور زمان کاسه صبر شان را ناکامی های پی در پی امریکا و متحدین و حکومت ضعیف تحت حمایت امریکا در عملی کردن وعده های شان و مداخلات آشکار خارجی ها در امور داخلی افغانستان لبریز ساخت و این نارضایتی مردم ذهنیت عامه را برای یک تغییر آماده ساخت. متأسفانه هیچ نیروی سیاسی ملی و مردمی آمادگی لازم برای رهبری این موج نا رضایتی عمومی بسوی یک انقلاب ملی، ترقیخواه و مردم سالار را نداشت. این کمبود بزرگ هم مستلزم تحقیق علمی برای علتیابی و درگیری برای نسل جوان مملکت میباشد.

«هیأت اجراییه فارو»

FAROE Registered in The Netherlands [www.afghanfederation.com](http://www.afghanfederation.com) [info@afghanfederation.com](mailto:info@afghanfederation.com)

د پانو شمیره: له 2تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی